

اعمال ۱۵ آیات ۱ تا ۳۵ کلیسا در حال رسیدگی به یک موضوع فرهنگی پیچیده است که توسط روح رهبری می شود.

بحث در فصل ۱۵ این است که چگونه جامعه مسیحی اولیه در مورد مسائل مربوط به ختنه، فیض خدا، سنت و قوانین یهود به توافق رسیدند. باید به خاطر داشته باشیم که اولین مسیحیان عمدتاً یهودیانی بودند که با قوانین موسایی بزرگ شده بودند. در کنار مسیحیان یهودی، مسیحیانی بودند که فرهنگ یهودی را نداشتند و از منظر یهودی به آنها غیریهودی می گفتند.

سؤالات بزرگ این بود: آیا غیریهودیان باید ابتدا ختنه می شدند تا بتوانند خود را شاگردان عیسی بنامند یا ختنه لازم نبود؟ آیا افراد غیر یهودی اگر ختنه نمی شدند نجات می یافتند؟

پولس و برنابا، رهبران کلیسای جدید در شهر انطاکیه، این سؤال را با تمام گروه در میان می گذارند و توضیح آنها نمی تواند برخی از ایمانداران انطاکیه را متقاعد کند. گروه انطاکیه تصمیم گرفتند که بشنوند که کلیسای اورشلیم در این مورد چه خواهد گفت. آنها متوجه شدند که عدم دستیابی به یک دیدگاه روشن به کل گروه آسیب می رساند و این برخلاف تعالیم عیسی خواهد بود. پولس، برنابا و برخی دیگر از مؤمنان به اورشلیم فرستاده می شوند تا این موضوع را به همراه پطرس و یعقوب در اختیار برادران در اورشلیم قرار دهند. در حین سفر، مردان انطاکیه با برادران و خواهان در مناطقی که از طریق آنها سفر می کنند، نحوه نجات غیر یهودیان و پر شدن از روح القدس را در میان می گذارند. در اورشلیم، گروهی از انطاکیه توضیح می دهند که موضوع چیست: پولس و برنابا و همچنین فریسیان تحصیل کرده که به عیسی ایمان دارند و فکر می کنند که ختنه باید ابتدا انجام شود. کلیسای اورشلیم با حضور کل گروه مؤمنان به هر طرف گوش می دهد و به همه دیدگاه ها گوش می دهد. ما می آموزیم که صرف نظر از پیشینه، تحصیلات و فرهنگ، به عنوان ایمانداران به عیسی، همه ما باید به آنچه کلام خدا می گوید گوش دهیم. این مهم است که بیشتر بیاموزیم، آنچه را که عیسی به پیروانش آموخت بیشتر بفهمیم و یاد بگیریم که ذهن و قلب را برای صدای خدا باز نگه داریم.

در اینجا یک سوال وجود دارد: "نجات یافتن" به چه معناست؟ چه اتفاقی می افتد؟ برای نجات انسان چه باید کرد؟

اعمال رسولان فصل ۱۵ آیات ۱-۵

آیه ۱: برخی از مردان - هیچ توضیحی در مورد اینکه آنها چه کسانی هستند وجود ندارد، اما یک چیز واضح است: آنچه آنها می گویند باعث شک، بحث و تقسیم احتمالی می شود.

آیه ۲: به ما می گوید که درگیری بین پیروان عیسی وجود دارد، وضعیتی که باید حل شود.

در اینجا سؤال دیگری وجود دارد: چرا کلیسای انطاکیه پولس و برنابا و برخی دیگر را فرستاد؟ (نیاز به شاهد/ آن دو موافق بودند و در مقام اعمال اقتدار و یا حتی تقلب بودند / این فقط برای آن دو نبود، برای همه مؤمنان یکی بود و نتیجه راهنمایی برای همه مؤمنان در اورشلیم و سایر جوامع مسیحی اطراف / برخی که معتقد بودند ختنه در ابتدا ضروری است، خودشان می شنیدند که رهبران اورشلیم در مورد آن چه می گویند)

آوردن اختلاف و مشاجره در برابر سایر برادران و خواهران مسیحی همان چیزی است که عیسی در متی ۱۵:۱۸-۱۶ به ما می آموزد ("اگر برادرت در حق تو گناه کرد، برو و تقصیر او را بین خودت و او به او بگو. اگر به حرف شما گوش داد، برادرت را به دست آورده ای. ۱۶ اما اگر او گوش ندهد، یکی دو نفر دیگر را با خود ببر تا هر اتهامی با شهادت دو یا سه شاهد ثابت شود.")

آیه ۳: پولس و برنابا از کلیساهای جوان در سامره و فنیقیه بازدید کردند و با آنها در میان گذاشتند که بسیاری از غیریهودیان به عیسی ایمان آورده اند.

آیات ۴-۵: اولین چیزی که پولس و برنابا با ایمانداران در اورشلیم در میان گذاشتند، کاری بود که خدا انجام داده بود.

آیات ۶-۷: واضح است که هیچ تصمیم عجولانه ای در کار نبوده است، زمان برای همه وجود داشت که فکر کنند، فکر کنند و مهمتر از همه دعا کنند. با وجود دیدگاه‌های متفاوت، آنها «برادر» باقی ماندند.

آیات ۷-۱۱: پطرس در مورد اینکه چگونه خدا به پطرس وظیفه داده بود که در مورد او قبل از سایر ملل (غیر یهودیان) صحبت کند صحبت می کند. خدا روح القدس را به غیر یهودیان، یونانیان و رومی ها، سامریان و فنیقی ها داده بود. پطرس در مورد آنچه خودش فکر می کند صحبت نمی کند، نه در مورد اینکه دیگران چقدر اشتباه می کنند، نه در مورد اینکه چه کسی بهتر یا بیشتر می داند..... پطرس وحدت را حفظ می کند زیرا او خدا را در اولویت قرار می دهد. وقتی با یک مسیحی دیگر درگیری داریم و به نظر می رسد راهی برای حل آن وجود ندارد، باید این موضوع را به خدا بسپاریم و موضوع را با یک مسیحی دیگر در میان بگذاریم و بفهمیم کتاب مقدس چه می گوید. این ربطی به این که ما از کجا آمده ایم، ربطی به فرهنگ ندارد، به راه خدا و فرهنگ عیسی ربط دارد. روی گردانی از فرهنگ خودمان در جایی که برخلاف میل خدا باشد قطعاً آسان نیست و زمان می برد، اما به عنوان پیروان عیسی و به دلیل عشق به خدا، نمی توانیم خود را پشت این کلمات پنهان کنیم: در فرهنگ خودمان اینگونه عمل می کنیم.

اعمال رسولان فصل ۱۲: ۱۵-۲۱

آنچه در اینجا قابل توجه است این است که هیچ استدلال دیگری وجود ندارد. آنها به سخنرانان مختلفی گوش دادند که در مورد آنچه خدا انجام داده بود صحبت کردند و یعقوب نتیجه گیری کرد.

پطرس متنی را از عهد عتیق (عاموس ۹: ۱۱-۱۲) در آیه ۱۶ نقل می کند. ما می آموزیم که روی آوردن به خدا شماره یک است، نه ختنه. یعقوب فرهنگ‌های مختلف در انطاکیه و اورشلیم را درک می کند و پیشنهاد می کند که به دلیل عشق و احترام به یکدیگر، برخی کارها را نباید در کنار هم انجام داد.

اعمال رسولان فصل ۲۲: ۱۵-۲۹

در اینجا می خوانیم که کلیسای اورشلیم موافقت کرد که چند نفر از گروه خود را به کلیسای انطاکیه بفرستد تا مؤمنان آنجا بتوانند از برادران اورشلیم بشنوند که کلیسای اورشلیم در مورد آنچه توافق کرده است.

در نامه پیشینه‌های متفاوتی تأیید شد، اما تأکید بر وحدت در عیسی مسیح است. نامه علنی، صادقانه و واضح بود، با عشق نوشته شده بود و بر این واقعیت تأکید داشت که همه اعضا دارای یک فکر هستند. روح القدس کلیسای اورشلیم را راهنمایی

کرده است تا این نامه را بنویسد و به دلیل عشق و احترام از کلیسای انطاکیه می خواهند که به هم ایمانانی از پیشینه های دیگر آسیب نرساند یا توهین نکند. به عنوان مثال، یهودیان مسیحی قوانین غذایی و قوانین سختگیرانه ای در مورد اینکه با چه کسی می توانند ازدواج کنند داشتند. غیر یهودیان آن قوانین را نداشتند و اگر مسیحیان با پیشینه یهودی نتوانند با مسیحیان با پیشینه غیریهودی غذا بخورند، بسیار تفرقه انگیز خواهد بود.

اعمال رسولان فصل ۱۵: ۳۰-۳۵. نامه به چند نفر خاص داده نشد، بلکه تمام جماعت جمع شدند تا همگی مضمون آن را بشنوند. در ملکوت خدا جایی برای افراد مورد علاقه وجود ندارد و برادران از تعالیم عیسی پیروی کردند. آنها با هم خوشحال شدند، در دعا از خدا حمد و سپاس کردند. در این جلسه همه مؤمنان ایمان خود را تقویت کردند و مدتی در انطاکیه با جماعت ماندند. در زمان مقتضی سیلاس، بارسباس و سایر برادران اورشلیم به اورشلیم بازگشتند.

ما می آموزیم که خبر خوب عیسی می تواند همه و همه را نجات دهد. خداوند خود را در دل انسانها می داند. او دلها را از بحث، تفرقه، خودبزرگ بینی پاک می کند و از طریق عیسی دلها را از محبت و بخشش خود پر می کند.

ما می آموزیم که مژده عیسی آزادی می دهد زیرا قانون عشق او از طریق عیسی شماره یک است. پطرس روشن می کند که خدا بین مردم و ملت ها، بین پیشینه و تحصیلات یا فرهنگ ها تمایزی قائل نمی شود. او می خواهد که همه با فیض او زندگی کنند، از پسرش الگو بگیرند و با او رابطه ای زنده داشته باشند. او می خواهد روح خود را بدهد. این بدان معناست که ما نمی توانیم آن را بخریم، نمی توانیم آن را با انجام کارهای خوب به دست آوریم. ما نمی توانیم آن را با یک فرمول جادویی بدست آوریم. - این یک هدیه است! نجات یافتن معجزه خداست. هیچ کس نمی تواند خود را نجات دهد.

ما می آموزیم که پذیرش انجیل منجر به رشد به عنوان افراد و به عنوان یک کلیسا می شود و بنابراین ملکوت خدا در این جهان رشد می کند. همه ما می توانیم در دنیای او برای جلال او فعال باشیم!

البته درگیری ها پیش خواهد آمد. وقتی آنها رخ دهند، ما چه خواهیم کرد؟ چگونه عمل خواهیم کرد؟ آیا به هر قیمتی راه پیروزی شخصی را در پیش خواهیم گرفت؟ یا به خداوند عیسی و کلیسای او احترام می گذاریم و راه حل تعارضات خدا را انتخاب می کنیم.

باشد که ما راهی را انتخاب کنیم که بیشتر مسیح را گرامی دارد.